

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تونی کارتالوچی (Tony Cartalucci)

برگردان از: ا. م. شیری

دوم نومبر ۲۰۱۱

سیاست کنونی امریکا در قبال ایران،

ناگزیر به جنگ منتهی خواهد شد.

«تحلیلگر "سیا" برای تشدید اوضاع ایران نقش احمق را بازی می کند».

یادآوری: برای مطالعه گزارش بنیاد بروکینگز تحت عنوان «کدام راه به سوی ایران»، لطفاً به نشانی های مندرج در پایان مطلب حاضر* مراجعه نمایید.

سیاست کنونی امریکا در رابطه با ایران را به معنی واقعی کلمه، کنت پولاک (Kenneth Pollack) تنظیم می کند. مقاله او تحت عنوان «کدام راه به سوی ایران؟»، که از سوی بنیاد بروکینگز در سال ۲۰۰۹ انتشار یافت، دقیقاً همه آن مسائلی را که در حال حاضر امریکا در سیاستهای خود در رابطه با ایران به کار می گیرد، مطرح می سازد. از جمله آموزش، تسلیح و حمایت گروههای تروریستی طرفدار امریکا در داخل ایران، اعمال تحریمها، تحریک به شورش، به اضافه اقدامات سازمان جاسوسی امریکا با هدف تحریک تهران برای دست زدن به اقدام نظامی.

فعلاً فقط تحلیلگران رسانه ها و سیاستمداران در باره ضرورت «تعامل متقابل» و «متد چماق و شیرینی» سخن می گویند، و دیگران بر کاربست سیاستهای نابخردانه امریکا مبنی بر ایجاد مناقشه نظامی با ایران تأکید می نمایند. در واقع، به اتکاء گزارش بنیاد بروکینگز- کدام راه بسوی ایران؟- بر اجرای طرحهایی اصرار دارند که دولت امریکا را به سوی جنگ ناگزیر سوق می دهد.

در همین اواخر کنت پولاک مقاله ای تحت عنوان «جنگ نامرئی ایران علیه ایالات متحده امریکا» برای «دیلی بیاست» (Daily Beast) نوشت. نویسنده در این مقاله با مراجعه به خوانندگان که احتمالاً مقاله «کدام راه به سوی ایران؟» را خوانده اند، تأکید می کند همانطور که «توطئه تروریستی ایران» برای کشتن سفیر عربستان در امریکا

نیز نشان می دهد، این کشور در واقع با دست زدن به چنین جنگ مخفیانه علیه امریکا، در راه غیرمنطقی و خطرناکی گام بر می دارد.

کنت پولاک، (کارشناس سابق سیا) علی رغم نظر خود مبنی جایزه نبودن تعجیل در نتیجه گیری و افزایش شواهدی که می تواند احتمال «توطئه ایران» را تأیید نکند، اتهام مضحک و پر هیاهو علیه ایران را شبیه واقعیت می پندارد. علاوه بر این، خلاقیت عجیب پولاک در این رابطه که چرا ایران به چنین اقدام خشنی بر علیه امریکا دست می زند، شخصیت دو گانه آن پرسناژی را به نمایش می گذارد که خود یکی از طراحان اصلی تحریکات گوناگونی می باشد که از سوی واشینگتن علیه تهران به کار گرفته می شود.

مقاله کنت پولاک نوع تفکر تنظیم کننده مقاله «کدام راه به سوی ایران؟»، را، نوع تفکر آنهایی را که با چه هدفی سند مذکور را تهیه کرده اند و همچنین، کسانی را که به شدت در آرزوی جنگ با ایران به سر می برند، برای ما روشن ما می سازد.

گزارش بنیاد بروکینگز «کدام راه به سوی ایران؟»، سال ۲۰۰۹.

برای درک درست سیاست امریکا در قبال ایران، لازم است تنظیم کنندگان این سیاست را مورد توجه قرار داد و آنها را از دلیل تراشی ها تفکیک نمود. بنیاد بروکینگز را نخبگان شرکتهای مالی امریکا برای خدمت به نیازهای خود تشکیل دادند. این مرکز بزرگ مطالعاتی که منافع و مصالح کمپانیهای عظیم نفتی را نمایندگی می کند، بانکها و پیمانکاران نظامی نیز به نوبه خود مورد حمایت مالی قرار می دهند. کاملاً واضح است که ستر انژی تنظیمی بنیاد بروکینگز در رابطه با ایران یا هر کشور دیگری، در واقع باید حاوی تدابیر ناظر بر گسترش نفوذ مالی، سیاسی و نظامی شرکتهای پشتیبان مالی آن در مقیاس جهانی باشد.

ایران کشوری است با جمعیتی بیش از هفتاد میلیون نفر، با زیرساختهای پیشرفته و ذخایر هنگفت طبیعی، از جمله، نفت و گاز طبیعی. تلاشهای نخبگان شرکتی- مالی ایالات متحده امریکا برای سلطه بر این کشور و مردم آن، انگیزه بسیار قانع کننده ای برای شروع حمله نظامی به ایران می باشد.

درست که هزینه های میلیاردری جنگ با کشوری مثل ایران، موجب فقیر شدن توده مردم امریکا خواهد گردید، اما مجتمع های صنایع نظامی سودهای نجومی از آن خواهند برد.

البته، کمپانی های بزرگی مانند هالیبرتون و بکتل که از جنگها سود می برند، پول زیادی از نابودی ایران به دست می آورند(نباید میلیاردها دلاری را که این شرکتها از جنگ عراق، از کشوری به لحاظ اراضی چهار برابر و به لحاظ جمعیتی دو برابر کوچکتر از ایران به دست آوردند، فراموش کرد).

علاوه بر نفت ایران که سود آن دو باره به جیب کمپانیهای نفتی انگلیسی- امریکائی سرازیر خواهد شد، مصالح ژئوپلیتیک نیز عناصر جذابی برای حمله به تهران به حساب می آیند.

همه کشورها، از جمله کشور بزرگی مثل چین، به «نظم جدیدی» که شرکتهای عظیم انگلیسی- امریکائی بر قرار خواهند کرد، وابسته خواهند شد. امروز توسعه کشورها با انرژی وابستگی کامل دارد. تسلط بر منابع انرژی به معنی اعمال کنترل بر توسعه همه کشورهاست.

بسیاری از کارشناسان عقیده دارند که ذخایر طبیعی ایالات متحده امریکا برای رفع احتیاجات این کشور در آینده قابل پیش بینی کفایت می کند. اما لازم به گفتن است که عدم استفاده از آنها و پایان دادن امریکا به خریدها و تأمین نفت و گاز از خارج، باعث پیدایش رقیبانی برای این کشور در تمام جبهه ها، به ویژه از میان کشورهای در حال

توسعه خواهد گردید. این نیز به کشورهای در حال توسعه امکان می دهد که در مقابل «دزدان مالی» (صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و دیگر بنگاههای مالی بین المللی که غرب برای سلطه و استثمار بشریت ساخته است) از خود دفاع کنند.



توضیح مندرج در زیر عکس: اینها فقط اسامی تعدادی از شرکتهائی هستند که بنیاد بروکینگز را مورد حمایت مالی قرار می دهند. برای مشاهده لیست کامل آنها، به صفحه ۱۹ حسابرسی سالانه بنیاد بروکینگز مراجعه کنید. بسیار جالب است که بسیاری از مدیران، نمایندگان و مدیران کل کمپانیهای مذکور علی رغم اختلاف منافع جدی، عضو شورای مدیران بنیاد بروکینگز می باشند. تحریم این کمپانیها برای کسانی که مصممانه برای پایان دادن به هژمونی نهنگان مالی مبارزه می کنند، به شدت ضروری است.

با توجه به این وضعیت، معلوم می شود که چرا کمپانیهای عظیم تأمین کننده مالی بنیاد بروکینگز از طرح پیشنهادی آن و آماده کردن امریکا برای جنگ نزدیک با ایران حمایت می کند.

در خود گزارش که برای دایره محدودی در نظر گرفته شده، با عبارات بسیار پیچیده ای گفته می شود که رهبری ایران می تواند عصبانی بشود اما، هیچ گاه بی ملاحظه عمل نخواهد کرد. در گزارش همچنین تأکید می شود که ایران فقط در بدترین شرایط از سلاح هسته ئی بعنوان آخرین حربه، از جمله با در نظر گرفتن توان بازدارندگی اتمی امریکا و حتی اسرائیل استفاده خواهد کرد. گزارش افتادن تسلیحات اتمی ایران به دست سازمانهای غیردولتی را غیرممکن می شمارد.

در گزارش تحلیلی بنگاه «رند» (Rand) نیز تأکید می شود که ایران از چند ده سال پیش تسلیحات شیمیائی در اختیار دارد و در انبارهای تحت محافظت نیروهای گارد ویژه نگهداری می کند. در همین ارتباط، متخصصان بنگاه «رند» دستیابی «تروریستها» به این انبارها را محتمل نمی شمارند.

در صفحات ۲۴ و ۲۵ گزارش بنیاد بروکینگز گفته می شود که خطر واقعی، نابودکردن تسلیحات کشتار جمعی ایران نبوده، بلکه، آن توان بازدارندگی می باشد که به ایران اجازه می دهد بدون هراس از تهاجم امریکا، در مقابل

نفوذ ایالات متحده آمریکا در منطقه بایستد. به دیگر سخن، زمانی که کشورهای متخالف از شانس برابری برخوردار شوند، آمریکا مجبور خواهد شد تقدم منافع ویژه ایران در منطقه را بپذیرد. در گزارش به طور مکرر آمده است که تهران قصد تحریک غرب را ندارد. علاوه بر آن، آمریکا و اسرائیل برای تحریک ایران به تهاجم آشکار، بایستی تلاشهای فراوانی بکنند.

گزارش بنیاد بروکینگز حاوی یک بخش بسیار حیرت انگیزی در مورد بمباران هوایی گسترده اراضی ایران می باشد:

«...ایالات متحده آمریکا بهتر است به منظور توجیه تجاوز نظامی، بلاواسطه در آستانه بمباران هوایی تهران از تحریک ایران بهره گیری نماید. هر قدر که پاسخ ایران تلافی جویانه و خطرناک باشد، همانقدر هم به نفع کاخ سفید خواهد بود. بی تردید، ایالات متحده آمریکا به راحتی نمی تواند بدون موافقت کشورهایانی که طبق قاعده آمریکائی بازی می کنند، ایران را تا چنین حدی تحریک نماید.

گسترش آهنگ اقدامات سرّی برای تغییر رژیم حاکم کنونی، تا حدود زیادی شانس موفقیت آمریکا را افزایش می دهد. در همه حال، تهران دیر یا زود در مقابل مداخلات آمریکا در امور داخلی خود، عکس العمل نشان خواهد داد و واشینگتن خواهد توانست آن را به مثابه تهاجم بی دلیل ایران معرفی نماید».

محتوای تدابیر مندرج در این بخش و همچنین، در تمام گزارش بنیاد بروکینگز که از سوی سیاستمداران پر کار و کمپانیهای عظیم مالی و بانکهای آمریکا تدوین شده است، در طول سالهای اخیر به صور نمایشگرانه مورد استفاده قرار داده می شود. این پیش از همه، در تحریمها، عملیات نظامی سرّی، تشویق به شورشهای توده ئی، حمایت از گروههای تروریستی هدایت شونده (مجاهدین خلق) و نمونه اخیر کاملاً بی پایه در باره تدارک توطئه ایران برای کشتن سفیر عربستان نمود، پیدا می کند. همه این اقدامات، تدابیر توجیه ناپذیر برای تجاوز هستند که می توانند به جنگ با ایران منتهی شوند.

ماهیت این حرکت گستاخانه و خودپرستانه نمایندگان کمپانیهای مالی آمریکا که از خودشیفتگی نیز رنج می برند، زندگی صدها میلیون انسان را تهدید می کند.

کنت پولاک در مقاله خود که برای «دیلی بیاست» نوشته است، خوشنودی خود را از وضعیتی که نشانه نزدیک شدن جنگ آمریکا با ایران می باشد، ابراز می دارد. در عین حال، او ضمن اینکه سعی می کند در باره نقش تعیین کننده خود در تدوین سیاستهای هدفمند برای تشویق جنگ با ایران، جنگی که طرف ایرانی به هر ترتیبی می خواهد از آن اجتناب نماید، هیچ اطلاعی به جامعه ندهد، واقعی بودن متهم کردن پر سر و صدای ایران در توطئه اخیر را تکذیب می کند.

اگر خوانندگان از این موضوع مطلع شوند، به خصلت میلیتاریستی و جنگ افروزان او پی برده و تکذیب پر هیاهوی اتهام زنی به ایران را تلاش ناموفق نوبتی نخبگان کمپانیهای مالی آمریکا در برافروختن آتش جنگ با ایران خواهند خواند.

دقت و توجه خوانندگان به حامیان مالی بنیاد بروکینگز یک ضرورت است. این جماعت، پسران و دختران، خواهران و برادران، پدران و مادران آمریکا را به قمار گذاشته و آنها را به خاطر منافع سرمایه های کلان به جنگ می فرستند. این جماعت، آخرین پولهای مردم آمریکا را به منظور پیشبرد جنگ، جنگی که شهروندان آمریکا در آن ذینفع نیستند، از دستشان بیرون می کشد. این جماعت همان آدمهایی هستند که می خواهند به حساب رنجهای مردم آمریکا و ایران، ثروتهای افسانه ئی به دست آورند.

این کمپانیها باید از تجارت محروم شوند. به جای بلند کردن دست دعا به سوی آسمان و یا به جای منتظر کمک از سوی دولت بی اعتبار کمپانیهای مالی امریکا بودن، باید از همین امروز این کمپانی ها را تحریم کرد، پولهای خود را از آنها باز ستاند و این پولها را در جهت کسب و کار کوچک و متوسط که فعالیت آنها به سود مردم است، به کار انداخت.

فقط با آغاز تحریم این کمپانیها و کاهش تأثیر آنها بر زندگی روزمره مردم، می توان متوجه شد که چگونه جاه طلبی و سود این ساختارها شروع به کاهش می کند، تحولات بازگشت ناپذیری در داخل این کمپانیها روی می دهد. با از دست دادن سود، کارکنان خود آنها طرحهای استثمرات قبلاً تجربه شده و کسب کار و انگلی را مردود خواهند شمرد. امریکائیها باید از افشای این دروغ جهانی سخن بگویند، برای پایان دادن به جنگها مبارزه کنند و مهمتر از همه، با شروع به تغییر در توازن قوای موجود، به اوضاع انفجار آمیز کنونی خاتمه دهند.

<http://landdestroyer.blogspot.com/2011/10/us-policy-toward-iran-one-way-ticket-to.html>

www.eb1384.wordpress.com

۱۰ آبان [عقرب] ۱۳۹۰